

با سلام و احترام، لطفاً قبل از مطالعه به این نکات توجه فرمایید:

- 1- صوت با کمی ویرایش - حذف و اضافات - تبدیل به نوشتار شده است.
- 2- جهت ارائه نیاز به فایل تصویری اجرا می‌باشد که می‌توانید از سایت سعدا آنرا دریافت نمایید.
- 3- جهت تمایز بین سخنرانی با متن بیانیه گام دوم، Font و نوع قلم متن بیانیه، متفاوت می‌باشد.
- 4- جملاتی که در «گیومه» قرار داده شده، حتماً همان متن جمله‌ی نقل شده از فرد مورد نظر نمی‌باشد، بلکه گاهی نقل به مضمون شده است.

سلام علیکم و رحمه الله

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على اشرف الانبياء و المرسلين، حبيب اله العالمين أبی القاسم مصطفى محمد
و على ائمة الأطيبيين الأظهرين المنتجبين سيما مولانا و مقتدانا حجة بن الحسن العسگری، روحی و ارواح
العالمين لتراب مقدمه الفداه

اهمیت هر نوشته ای به ...

اهمیت هر نوشته و نامه ای بستگی به نویسنده آن دارد؛ هرچه نویسنده شخصیت مهمتری باشد آن نوشته اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، نویسنده بیانیه‌ی گام دوم چه کسی است؟

- شخصیتی است که شاید انسان به جرات بتواند بگوید بین سیاسیون عالم، کمتر کسی آن قدر مورد رصد قرار گرفته است:

کسی که مدل انگشترش تا هفته ها مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ کسی که نحوه کفش پوشیدنش بارها و بارها مورد تحلیل قرار گرفته است؛ کسی که وقتی 3 خرداد در دیدار نیروهای مسلح به همه آنها گفت بنشینید من می‌خواهم صحبت کنم و بعد بحث جهاد کبیر را مطرح کرد، تحلیل‌گران غربی این جمله را گفتند: «او با این حرف، غرب را به لجن کشاند. نشان داد که نیروهای مسلح کشورش لازم نیست بایستند، الان دیگر غرب جرات نمی‌کند جنگ نظامی داشته باشد».

- نویسنده نامه کسی است که وقتی در جمع فقها قرار می‌گیرد قوی‌ترین است، وقتی در جمع شعرا قرار می‌گیرد گوی سبقت را از خیلی‌ها می‌رباید، وقتی در جمع نویسندگان قرار می‌گیرد حرفی برای گفتن دارد، وقتی در جمع سیاسیون قرار می‌گیرد حتی دشمنان هم به قدرت تحلیل سیاسی ایشان اعتراف می‌کنند، خاویر پرز دکوئیار یک زمانی دبیر کل سازمان ملل بود، بعد از دیدارش با نویسنده، وقتی بیرون می‌رود می‌گوید این شخص در کدام دانشگاه علوم سیاسی درس خوانده که این مطالب را می‌داند و ما خبر نداریم!

- کسی که وقتی در جمع مورخان قرار می‌گیرد هیچ‌کس در بحث تاریخ به قدرت او نمی‌رسد.

کوفی عنان بعد از دیدارش با نویسنده این نامه می‌گوید: «ایشان اطلاعاتی درباره کوبا داشت که من که در آنجا بزرگ شدم و زندگی کردم آن اطلاعات را ندارم». نویسنده نامه کسی است که هیلاری کلینتون می‌گوید: ده سال زحمت ما برای سال 88 را او با یک خطبه‌ی در نماز جمعه اش بهم ریخت.

- نویسنده این بیانیه (نامه) کسی است که حداقل 12 پیش بینی دارد که همه اش محقق شده است: در سال 2000 به سید حسن نصرالله می‌گوید: «خودتان را برای پیروزی بزرگ آماده کنید، اسرائیل از لبنان بیرون خواهد آمد»، ایشان عرض می‌کند آقا ما خودمان را آماده کردیم که لبنان مستعمره‌ی اسرائیل شود. ایشان می‌فرماید: «به نظر من به زودی زود اسرائیل لبنان را ترک خواهد کرد» و کمتر از سه ماه بعد رژیم غاصب صهیونیستی لبنان را ترک کرد.

سید حسن نصرالله در هنگام بیماری حافظ اسد از آقا می‌خواهد دعا کنند خوب بشود، که اگر ایشان از دنیا برود دیگر معلوم نیست برای محور مقاومت چه اتفاقی بیفتد! ایشان می‌فرماید: «من دعا می‌کنم، اما مطمئن باشید بعد از او شخصیتی خواهد آمد که قدرت شما را در دنیا بیشتر خواهد کرد» و همین اتفاق هم افتاد. نمونه‌ی دیگر هم از زبان سید حسن نصرالله که وی می‌گوید: در اواخر کنفرانس صلح، که تمام کشورهای منطقه به این نتیجه رسیده بودند که حزب الله لبنان باید خلع صلاح شود و پای میز مذاکره بودند، ایشان گفت: «این مذاکرات به نتیجه نخواهد رسید» و کمتر از یک ماه، انتفاضه‌ی فلسطین اتفاق افتاد و تمام مذاکرات بهم ریخت.

- نویسنده این نامه هر سال 22 بهمن به ملت ایران نامه می‌نویسد و امسال هم مثل هر سال نامه نوشتند. تفاوتش این است که هر سال 23 بهمن آن نامه رسانه‌ای می‌شد، اما امسال رسانه‌ای نشد و فقط یک خبری آمد که ایشان نامه‌ی مهمی نوشتند. آن نامه چیست؟ آیا او در بدترین شرایط اقتصادی تاریخ جمهوری اسلامی می‌خواهد معذرت خواهی کند؟ عقب نشینی کند؟ چه نوشته است؟

خبری مهم

صبح روز 24 بهمن خبری آمد: بیانیه‌ای است به نام «گام دوم». سایت ایشان عکس می‌گذارد معلوم می‌شود آن نامه، نامه به جوان‌ها است، در آن عکس همه جوان اند. 24 بهمن نامه خوانده می‌شود، نامه‌ی بسیار مهمی است. روز بعد نویسنده‌ی نامه به یکی از علماء می‌گوید: «من تا حالا از مردم نخواستہ ام که روی نامه‌های من کار کنند اما روی این نامه می‌خواهم کار کنند، من برای این نامه خیلی زحمت کشیده‌ام»، هفته بعد یکی از سیاسیون می‌گوید: نویسنده برای این نامه یک ماه فکر کرده و فقط نوشتنش یک هفته طول کشیده است و از آن به بعد تا به امروز در اکثر سخنرانی‌ها بحث گام دوم پررنگ شده است.

نامه، نامه‌ی یک شخصیت حکومتی به مردمش نیست. جنس نامه، نامه‌ی امام به جوانان امت است. این نامه بیانیه گام دوم است. ما باید ترسیم کنیم وضعیت خودمان را با انتظاری که حضرت آقا (حفظه الله) در بیانیه گام دوم از ما دارد. باید ابتدا دقت کنیم که این بیانیه چه می‌گوید؟ تا متوجه اجزاء بیانیه نشویم نمی‌توانیم عملیات کنیم، تا امکانات مان را ندانیم، وضعیت دشمن را ندانیم، عملیاتی درکار نیست. ما ابتدا باید ببینیم بند بند این بیانیه چه می‌گوید؟

با دو سه جلسه هم بیانیه تبیین نمی‌شود، حداقل 40 جلسه لازم دارد؛ وقتی حضرت آقا این بیانیه را فرمودند، توفیق شد در دانشگاه فردوسی شرح بیانیه را می‌گفتم که فقط مقدمه اش 27 جلسه طول کشید که بهتر بدانیم ایشان چه می‌فرمایند. حالا من به همان اندازه ای که فرصت شود نکاتی را عرض خواهم کرد:

منطق بحث ما چیست؟

بزرگوارانی که با پژوهش‌های ما آشنا هستند می‌دانند که در کتاب صعود چهل ساله، منطق بحث ما کامل مشخص شد، ما با همان منطق گام دوم کار می‌کنیم:

صعود چهل ساله پژوهشی بود که از 15 اسفند 96 شروع شد و تا 22 بهمن 97 ادامه پیدا کرد. حدود 70 نفر از نخبگان حوزه و دانشگاه نزدیک به 25000 ساعت کار پژوهشی انجام دادند، 19000 آمار بین المللی را بررسی کردند که وضعیت جمهوری اسلامی و پیشرفت‌هایش مشخص شود. الحمدلله این پژوهش در 40 سالگی انقلاب هم خوب گرفت. تلویزیون یک برنامه ای داشت در مورد صعود 40 ساله صحبت می‌کرد، سید حسن نصرالله درروز 22 بهمن در آن کلام معروفش دستاوردهای جمهوری اسلامی را از کتاب صعود چهل ساله خواند. حضرت آقا روز 2 فروردین در دیدار علماء استان خراسان در ضیافتشان کتاب صعود چهل ساله را هدیه دادند.

سردار جعفری به من فرمودند: بالاخره بعد از 40 سال توانستیم لکنت زبان بچه حزب اللهی‌ها را بگیریم، دیگر راحت می‌شود از نظام دفاع کنیم. همین دوهفته‌ی پیش معاون نهاد رهبری در دانشگاه به من گفت: ما هر وقت این اساتید معارف را در این چند روز می‌بینیم دعا می‌کنند و می‌گویند الان در دانشگاه حرفهای خوبی داریم که از نظام دفاع کنیم. بالاخره 19000 آمار بین المللی که می‌گوید ایران پیشرفت‌های عجیبی داشته، این‌ها چیز کوچکی نیست که آدم بخواهد از کنارش راحت بگذرد، چه بچه حزب اللهی‌ها دلگرم شدند، چه ترمز آن‌طرفی‌ها کشیده شد.

آقای طائب مسئول اطلاعات سپاه به بنده گفت: از وقتی این پژوهش آمده هشتگ‌های اینستاگرام و تویتر همه عوض شده، 40 سال اینها می‌گفتند جمهوری اسلامی ایران هیچ کار نکرده، الان مجبور شدند بگویند اگر شاه هم بود همین کارها را می‌کرد، قبول کردند که جمهوری اسلامی ایران کارهای زیادی داشته است. یک روز آقای زیبا کلام را دیدم، به ایشان گفتم: شما همیشه این جلساتی که دارید به برکت سوت و کفی که پای صحبت‌تان می‌زنند جلو می‌روید، یک بار بیایید ما یک پژوهشی را در حرم مطهر انجام داده ایم، این را خدمت شما عرض کنیم، اگر خوب بود که خوب، اگر بد بود انتقاد کنید. ایشان آمد و بنده پژوهش را در فضای کاملاً عقلانی و چالشی عرض کردم. چند جا حرف داشت و بنده هم جواب دادم، در آخر گفت: این‌ها خیلی قابل تأمل است، من خیلی باید فکر کنم. این صعود چهل ساله بود.

روز 22 بهمن که رهبری (مدّ ظله العالی) بیانیه‌ی گام دوم را دادند، همان تیم با همان منطق ادامه‌ی پژوهشش را گذاشت روی بیانیه ایشان، با آمار و اسناد بین المللی... حالا بنده هر چقدر فرصت شود خدمت شما بزرگواران عرض خواهم نمود.

شما هم روایت کن ...

این دوره، دوره تربیت مبلغ است، یعنی فردا نشود که بزرگواران بفرمایند که ما فلان دانشگاه هستیم بیایید آنجا صحبت کنید. خیر؛ دوره تربیت مبلغ است، یعنی از این پس باید شماها در دانشگاه ها صحبت کنید نه بنده. ما هرچه لازم داشته باشید در اختیارتان خواهیم گذاشت: فایل ارائه، صوت و هرچه بخواهید، اما خودتان باید سعی کنید توانمند شده و ارائه نمایید. تسلط پیدا خواهید کرد، الحمدلله قوی هستید.

بخش‌های بیانیه گام دوم

این بیانیه از 4 قسمت تشکیل شده است:

- ✓ بخش اول: مقدمه ای است که بیش از یک چهارم بیانیه را به خود اختصاص داده است.
- ✓ بخش دوم: دستاوردها و برکات انقلاب اسلامی است.
- ✓ بخش سوم: چالش ها و ظرفیت ها است.
- ✓ بخش چهارم: توصیه ها است.

آن قسمتی که پژوهش مفصلش را خدمت‌تان عرض می‌کنم روی سه بخش آخر است: یعنی دستاوردها، چالش ها و ظرفیت ها، و توصیه ها. اما خب بالاخره مقدمه ای هم دارد که عرض می‌کنم، بالاخره یک دور بیانیه گام دوم را بخوانیم. من شروع کنم از مقدمه خواندن.

- اسم پژوهش: گام تمدن ساز است.

متن بیانیه گام دوم

اما سرگذشت 40 ساله‌ی انقلاب با مرور متن بیانیه:

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاة و السّلام على سيّدنا محمّد و آله الطّاهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدّين.

از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و در میان ملت‌هایی که به پاخواسته و انقلاب کرده اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومتها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند.

بزرگواران! در این چند هزار سال تاریخ بشریت، استثناء ندارد، تمام ملت‌ها زیر ستم بوده اند، حالا یا توسط حُکام آنها یا توسط بیگانگان! از بین تمام این ملت‌ها چند تا ملت داریم که قیام کرده باشد؟! خیلی کم هستند. بین تمام ملت-

هایی که قیام کرده اند چند تا موفق شده اند انقلاب کنند؟! و از بین تمام کشور هایی که انقلاب کرده و پیروز شده اند، چه ملتی بود که توانست اهداف و آرمان های خود را حفظ کند؟!

انقلاب فرانسه

اولین و مشهورترین انقلاب؛ انقلاب کبیر فرانسه است.

البته خیلی هم کبیر نیست، بعضی ها به آن می گویند انقلاب کبیر فرانسه.

در مجلس دو گروه حکومت می کردند: یک گروه بیشتر ایشان ثروتمندان و اعیان، و برخی نیز روحانیون مسیحی بودند. این ثروتمندان کلیساها را به فساد کشاندند، از آن طرف هم مردم را تحریک کردند که روحانیت را از مجلس بیندازند، که خود بر مجلس حکومت کنند. اما تمام این ها بهانه بود. هدف مردم از قیام چی بود؟ پایان دیکتاتوری، لویی ها در فرانسه حکومت می کردند، 16 تا لویی حکومت کردند، لویی شانزدهم که سرکار بود، مردم خواستند به حکومت لویی ها پایان دهند، انقلاب کردند، روبسپیر آمد سر کار، بلافاصله ناپلئون آمد سرکار، بر فرض که ما ناپلئون را جزء انقلاب بدانیم. بعد از او چه کسی آمد سرکار؟ لویی هجدهم، دوباره به گیر لویی ها افتادند. این هم از انقلاب کبیر فرانسه!

البته یک سری خوبی ها داشت. قانون اساسی نوشتند، قانون اساسی قشنگی بود. روبسپیر هم مذهبی بود، هم حقوق دان بود. یک قانون اساسی نوشت اما بالاخره انقلاب به آن اهدافش نرسید.

اگر می خواهید از انقلاب ها به ویژه انقلاب فرانسه اطلاع کامل داشته باشید کتاب آقای منوچهر محمدی را مطالعه بفرمایید، مفصل نوشته است: وضع اقتصادی مردم قبل از انقلاب چه بود؟ وضع سیاسی آن ها چگونه بود؟ وضع نظامی و حکومتی آن ها چگونه بود؟

انقلاب شوروی

انقلاب مشهور بعدی؛ انقلاب شوروی است.

انقلاب شوروی هدفش چه بود؟ حمایت از کشاورزها، چه کسی قیام کرد؟ لنین.

می گفت: باید کشاورزها به یک نوایی برسند؛ تفکر کومونیستی. (کمونیزم جنبشی است که شعارش حذف مالکیت خصوصی بر ابزار کار و لغو کارمزدی و برجیدن طبقات اجتماعی از طریق انقلاب کارگری است. البته توضیح مفصلی دارد که اینجا محل طرح آن نیست).

او موقعی که حاکم شد اعلام کرد چون زمین ها مال حکومت است مردم آنجا کار کنند و وسایل کشاورزی و محصولات کشاورزی را به حکومت بدهند. مردم گفتند مگر ساده ایم که کار کنیم؟ کار نمی کنیم، به حکومت هم نمی دهیم. هزاران هزار کشاورز از گرسنگی از دنیا رفتند! هدف چه بود؟ حمایت از کشاورزان، چه کسانی کشته شدند؟ کشاورزان، و بعدش هم که استالین روی کار آمد، قتل عجیب انسان ها آنجا اتفاق افتاد.

انقلاب چین

انقلاب بعدی: انقلاب چین است.

انقلاب چین مانند انقلاب شوروی بود، آن هم کومونیستی، با حمایت از کارگران و کشاورزان مائو بر سر کار آمد. توضیحش طولانی است، چند صدهزار کارگر و کشاورز از دنیا رفتند!

انقلاب آمریکا

انقلاب مشهور بعدی: انقلاب آمریکا است.

من نمی‌دانم چرا به آن انقلاب می‌گویند؟ واقعا به انقلاب نمی‌خورد! همه جا یک شورش مردمی اتفاق می‌افتد در آمریکا چنین چیزهایی اتفاق نیفتاد. مردم سه کشور در آمریکا زندگی می‌کردند (اسپانیا، فرانسه، بریتانیا) بریتانیا قدرت پیدا کرده بود، اعلام کرد کسانی که اهل اسپانیا و فرانسه هستند باید مالیات بیشتری بدهند، نخبگان در مجلسی دور هم جمع شدند و یک بیانیه ای نوشتند به نام بیانیه استقلال. این شد انقلاب. در بیانیه چه چیزهایی آورده بودند؟ برادری و برابری بین تمام مردم از جمله سفید پوست و سرخ پوست، و حق رای به زن. حالا یک سؤال؟ 12 میلیون سرخ پوست کی کشته شدند؟ بعد از این بیانیه! حق رای به زن را کی دادند؟ قرن ها بعد! این هم از انقلاب آمریکا.

انقلاب الجزایر

انقلاب‌های دیگر خُرده انقلاب است، مثل الجزایر، که مطالعه درباره‌ی آن مهم است.

دلیلش این است که الجزایر شبیه ترین انقلاب را به انقلاب اسلامی ایران داشت، یعنی از حوزه های علمیه و مساجد شروع شد. برای این بود که از زیر بار استعمار و فرانسه خارج شود. بنده فقط یک داستان از مقام معظم (مد ظله العالی) می‌گویم که می‌خواهند بگویند فرانسه چگونه بر الجزایر، بعد از انقلابش تسلط پیدا کرد. ایشان می‌فرمودند: «20 سال بعد از انقلاب، رئیس جمهور الجزایر آمد پیش من، داشتیم با هم عربی صحبت می‌کردیم (زبان الجزایر) وسط صحبت، رئیس جمهور الجزایر یک اصطلاح عربی را یادش نمی‌آمد، با فرانسوی از اطرافیانش پرسید آنها هم ترجمه عربی را گفتند» حضرت آقا هم گفتند: «ببینید فرانسه با این‌ها چه کرده بود که زبان مادری را فراموش کرده بودند و زبان فرانسوی صحبت می‌کردند! درست است انقلاب شد، ولی نفوذ اقتصادی و فرهنگی فرانسه سر جای خودش بود. آقا می‌فرمایند: «نتوانستند به اهدافشان در انقلاب برسند».

انقلاب جمهوری اسلامی ایران

اما انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمی ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُر افتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده

40 سال است که آرمان‌هایمان همان آرمان است، عملکرد اندکی از مسئولین بحث دیگری است. این که امروز هم مردم 22 بهمن به خیابان رفته و شعارهای ارزشی می‌دهند، سال 57 نیز همان شعار را می‌دادند، مردم روی آرمان-

هایشان ایستاده اند. نظام روی آرمان‌ها ایستاده، آرمان‌ها را عوض نکردند. یعنی طوری نبود که بگوییم آن دوران من رابطه با آمریکا نمی‌خواهم یک دفعه یک هفته بگذرد بگوییم نه حالا مجبوریم رابطه داشته باشیم.

مراحل انقلاب

اولین مرحله کی بود؟ 40 سالی که گذشت.

و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است.

حالا در 40 سال دوم، قله‌ی تمدن سازی را فتح خواهیم کرد، ان شاء الله.

مقام معظم رهبری (مدّ ظله العالی) در سخنرانی‌های مختلف فرموده اند:

«انقلاب ما 5 مرحله دارد:

- مرحله اول: انقلاب اسلامی بود که 22 بهمن 57 تحقق پیدا کرد.
- مرحله دوم: نظام اسلامی بود که مردم 12 فروردین رای دادند و نظام اسلامی شکل گرفت.
- مرحله سوم: دولت اسلامی
- مرحله چهارم: جامعه اسلامی
- و مرحله پنجم: تمدن نوین اسلامی می‌باشد.

کار را تمام کنید

ما هنوز به مرحله سوم که دولت اسلامی است نرسیده ایم.

رهبری در دیدار دانشجویان چه فرمودند؟ «یک دولت جوان انقلابی انتخاب کنید کار تمام شود».

در این 40 سال تمام تفکرات حکومت کردند و ضعف ایشان بر همگان دیده شد.

درودی از اعماق دل بر این ملت، بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود. آنروز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد، چهارچوب‌ها را شکست و کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید، دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود.

تمام شعارها در آن دوران این بود که خدا تمام است؛ حکومت با دینداری جلو نمی‌رود ... اما بعد از انقلاب اسلامی ایران تیترو مجلات پیرامون خدا چه بود؟ مقام معظم رهبری (مدّ ظله العالی) می‌فرمایند: «ما دین و دنیا را کنار هم قرار دادیم: در شعارهایمان هم استقلال هست، هم آزادی، هم جمهوری و هم اسلامی. سیاست‌های جهانی هم کلا یا سمت شرق بوده یا سمت غرب، اینهایی که سمت غرب بودند به آنها می‌گفتند ناتو، سمت شرقی‌ها شدند پیمان سنتو، کلا همین‌ها بودند. ما خودمان با وجودی که در غرب نیستیم در زمان شاه در ناتو بودیم! جمهوری اسلامی یک شرق و غرب دیگری را تشکیل می‌دهد، همه را کنار می‌زند و شعار جدیدی می‌دهد.

طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند؛ چپ و راستِ مدرنیته از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند.

شما ببینید 40 سال این‌ها چه کارهایی که نکردند! از جنگ شروع کردند، ترور را انجام دادند، دانشمندان را ترور کردند، علماء را ترور کردند، اساتید دانشگاه را ترور کردند، تحریم‌های فلج‌کننده، تحریم‌های عجیب را انجام دادند.

اکنون با گذشت ۴۰ جشن سالیانه انقلاب و ۴۰ دهه فجر، یکی از دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست و پنجه نرم می‌کند.

نامه امام (ره) به گورباچف

یکی از این کانون‌ها شوروی بود، شوروی یک ابر قدرت بزرگ بود که از بین رفت، هیچ‌کس هم باور نمی‌کرد که شوروی از بین برود، از بین رفت. نکته مهمی که در فروپاشی شوروی باید بهش دقت کنیم، اتفاقاتی است که چند سال قبل از فروپاشی شوروی اتفاق افتاد. مهمترین آن، نامه‌ی حضرت امام به گورباچف بود، یک دفعه خبر می‌آید امام یک نامه‌ای به او نوشته‌اند.

آن هم در بحران‌های مختلف، از یک طرف افغانستان از طرفی هم جنگ ما تمام شده، همه نظرشان این بود که امام از شوروی کمک خواسته، عراقی‌ها هنوز در ایران هستند، حزب بعث در ایران است، فعلاً بنابر برگشت ندارند، ولی قطعنامه داده شده! امام نامه نوشتند، این نامه توسط سه نفر برای گورباچف فرستاده شد: مسئول تیم مذاکره‌کننده، آیت‌الله جوادی آملی و خانم دباغ.

شخصیت سیاسی در این گروه نیست، این بزرگواران می‌روند آنجا نامه، حدود یک ساعت و نیم خواندنش با ترجمه‌اش طول می‌کشد و گورباچف گوش می‌کند، دو سه جمله‌ی این نامه را بنده برای شما بزرگواران می‌خوانم ببینید امام کجا را می‌دید، 11 دی 1367 یعنی در آخرین ماه‌های عمر شریف امام:

«جناب آقای گورباچف برای همه روشن است که از این پس کومونیسم را باید درموزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد، مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست، چرا که مکتبی است مادی و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت که اساسی‌ترین درد جامعه‌ی بشری در غرب و شرق است به درآورد. امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه‌های پوسیده 70 سال کژی جهان کومونیست را از چهره تاریخ کشور خود بزدايید. امروز دیگر دولت‌های هم‌سو با شما که دلشان برای وطن و مردمشان می‌تپد هرگز حاضر نخواهند شد بیش از این منابع و رو زمینی کشورشان را برای اثبات موفقیت کومونیست که صدای شکستن استخوان‌هایشان به گوش فرزندان‌شان رسیده است مصرف کنند، مشکل اصلی کشور شما مسأله‌ی مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست، مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست، همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن بست کشیده و یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزه‌ی طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است، در آخر امام (ره) می‌فرمایند: هر چند ممکن است حیطه‌ی تفکر و تصمیمات جدید شما تنها روشی برای حل معضلات حزبی و در کنار

آن حل پاره ای از مشکلات مردمتان باشد ولی به همان اندازه هم شهامت تجدید نظر درمورد مکتبی که سالیان سال فرزندان انقلابی جهان را در حصارهای آهنین زندانی نموده بود، قابل ستایش است. مشکل اصلی کشور شما مسأله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست، مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست...».

نامه، نامه طولانی ای است، خب این نامه را امام (ره) می‌فرستند، چند روز بعد ادوارد شوارد نادره از طرف گورباچف می‌آید پیام گورباچف را به امام (ره) دهد، مشخص است گورباچف پیام را متوجه نشده، شوارد نادره می‌گوید که ما حاضریم که در حل و فصل جریان افغانستان به شما کمک کنیم، در مشکلات داخلی کمک کنیم، دیدید که فیلمش مشهور است، امام (ره) از جا بلند می‌شوند، دستشان را می‌زنند پشتشان حرکت می‌کنند و می‌روند، شوارد نادره یک لحظه دستشان را می‌آورند، امام (ره) دست نمی‌دهد و یک جمله می‌فرماید: «به گورباچف بگویید من می‌خواستم یک افق جدیدی را پیش رویشان باز کنم، ایشان متوجه نشد».

سال 78 فروپاشی شوروی اتفاق افتاد، سالها از این جریان گذشته است، حالا یک جمله ای گورباچف می‌گوید: «مخاطب پیام آیت الله خمینی از نظر من همه اعصار در طول تاریخ بود، زمانی که من این پیام را دریافت کردم احساس کردم که شخصی که این پیام را نوشته، متفکر و دلسوز برای سرنوشت جهان است. من از مطالعه این پیام استنباط کردم که او کسی است که برای جهان نگران است و مایل است من انقلاب اسلامی را بیشتر بشناسم و درک کنم، اگر ما پیشگویی‌های آیت الله خمینی را در آن پیام جدی می‌گرفتیم امروز قطعاً شاهد چنین وضعیتی نبودیم».

کار آمریکا تمام است

امام پیش بینی کردند و فرمودند: کار شوروی تمام است. امام بعدی می‌فرماید: کار آمریکا هم تمام است. جالب اینجاست که آن موقع که فروپاشی شوروی اتفاق افتاد و امام نامه نوشتند، تحلیل‌گرهای دنیا چنین برداشتی نداشتند، اما الان معروف‌ترین نظریه پردازان دنیا از جمله فوکویاما می‌گویند: افول آمریکا نزدیک است.

نمونه های افول هم زیاد دیده می‌شود:

مثلا این روند افزایش بدهی‌های آمریکا هست که نشان می‌دهد آمریکا بدهکارترین کشور جهان است، روز به روز هم بدهکاری‌هایش بیشتر می‌شود؛ بیشترین و بالاترین کسری بودجه را دارد! از آن طرف هم رشد سریع درآمدها در دولت آمریکا را نگاه کنید، شکاف طبقاتی، رنگ آبی که می‌بینید 50% کف جامعه آمریکا هستند، رنگ قرمز 1% ثروتمند جامعه آمریکا است. از سال 1980 روز به روز، آن 1% ثروت بیشتری پیدا کردند و این 50% فقیرتر شده اند.

تعداد بی‌خانمان ها روز به روز درحال افزایش است. آخرین آمار سال 2015 است. بیماری های روحی و روانی سومین عامل بستری شدن مردم آمریکا در بیمارستان‌ها است، از هر دو نفر یک نفر بیماری روحی و روانی دارد. گزارش خودشان است. مرگ و میر بر اثر مصرف مواد مخدر و الکل و روانگردان است. شما می‌بینید سال به سال درحال افزایش است. سوء مصرف مواد مخدر نسبت به تمام دنیا بیشتر است.

آمار تجاوز در آمریکا 19 و یک دهم درصد می باشد یعنی از هر 5 زن آمریکایی تقریباً به یکی تجاوز شده است. بعضی وقتی آمار را می بینند می گویند: اینقدر تو آمریکا همه با شخصیت هستند که اگر تو خیابان یک مرد به زن نگاه می کند حکم تجاوز پیدا می کند. مثلاً یکی تیکه می اندازد به خانم، آن تجاوز است. چه کسی چنین چیزی گفته؟! آزار جنسی، بله؛ تجاوز یعنی تجاوز. آن هم تجاوزی که نه اینکه طرف خوشش آمده، اگر طرف بخواهد تجاوز نمی دانند؛ یک نفر به یک خانم در خیابان پیشنهاد می دهد و آن هم قبول کرده، این را که تجاوز حساب نمی کنند. تجاوز یعنی اینکه طرف نمی خواسته، مرد به زور این کار را انجام می دهد.

ممکن است یک سوالی پیش بیاید، بگویند آنها که گزارش می دهند، در ایران هم هست اما گزارش نمی دهند. چه کسی گفته آنها گزارش می دهند؟! مثل آن بنده خدایی که می گوید صدا و سیمای ایران اعلام کرده 20% مردم آمریکا ایدز دارند که خودشان خبر ندارند، آنها خبر ندارند شما خبر دارید؟ چیزی که سوادش را نداری ورود پیدا نکن. بحث اینطوری است که مؤسسات مختلف مثل WHO (دبیلو اچ ا) سازمان جهانی بهداشت، خودش رنکینگ از 100 هزار نفر آزمایش می گیرد بعد می گوید از 100 هزار نفر مثلاً 5% ایدز داشتند، خودشان هم خبر ندارند. بعد این را به تمام مردم تَسَرّی می دهند. معیار حساب می کنند و علمی است. این هم با نظر سنجی جاهای مختلف که در تمام دنیا هم هست انجام می شود خود خانم که نمی رود گزارش دهد.

بعد در اینجا حضرت آقا (حفظه الله) می فرمایند:

برای همه چیز می توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، به جز شعارهای انقلاب که همیش فطری است. شعارها را حضرت امام مطرح می فرمایند:

آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره ای بدرخشد و در دوره ای دیگر افول کند. هرگز نمی توان مردمی را تصور کرد که ازین چشم اندازهای مبارک دلزده شوند، هرگاه دلزدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.

هر دورانی که مسئولین برای محقق کردن این جریان اشتباه کردند دلزدگی اتفاق افتاد، مثلاً در بحث آزادی نگاه کنید، یک بار از این طرف بام یک مسئول می افتد (اوائل انقلاب از این طرف بام افتادند) یک زمانی از آن طرف بام می افتادند. دوم خرداد یا مثلاً در رابطه با معنویت، یک زمانی می بینید در خیابان می رفتند خانم هایی که موهایشان زده بود بیرون از روسری با قیچی از پشت می بریدند یک زمانی دیگر در کنار همان ها عکس می گیرند! لَا يُرَى الْجَاهِلُ إِلَّا مُفَرِّطاً أَوْ مُفَرِّطَةً جاهل را نمی بینی مگر اینکه یا از این طرف افتاده یا از آن طرف! یکبار پونس زدند روی پیشانی زنان بدحجاب، یکبار هم با گوگوش عکس یادگاری برداشتند (سال 88)، این همان شخص است!

انقلاب اسلامی همچون پدیده ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست.

نمونه اشتباهات جمهوری اسلامی در این 40 سال چه بود؟ مثلاً: جریان کاهش جمعیت، تهدید نسل یکی از اشتباهات جمهوری اسلامی بود، جمهوری اسلامی نه انقلاب اسلامی. بعدش هم متوجه شد اشتباه کرده و اشتباهش را تصحیح کرد.

یا مثلاً یک جاهایی که همیشه گفت اشتباه، ولی یک سری مطالبی را تصحیح کرد به مرور زمان، مثلاً قانون اساسی، که سال 58 نوشته شده است، 10 سال گذشت، حضرت امام دستور می‌دهند که متمم قانون اساسی بدهید، یک سری از جاهایش ممکن است ایراد باشد یا ایرادهای بعضی از قسمت‌های مختلفش، مثلاً مجلس خبرگان بدون اجازه امام آقای منتظری را به عنوان قائم مقام انتخاب می‌کنند امام در نامه‌ای به ایشان می‌نویسند: والله قسم من از ابتدا با قائم مقامی ایشان موافق نبودم. از این جریانات اتفاق می‌افتد اما اشتباهاتش را جمهوری اسلامی تصحیح می‌کند.

انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود.

حضرت آقا (حفظه الله) می‌فرمایند: یک تفکر اشتباهی بود اول انقلاب می‌گفتند حالا که ما انقلاب کردیم ولش کنید خودش ادامه پیدا می‌کند. حضرت امام می‌فرمایند: نه اینطوری نبوده! ما انقلاب کردیم، رها نکردیم کار را، پس از نظام‌سازی شروع کردیم به مدل‌سازی، برای تمدن نوین اسلامی.

بعد حضرت آقا می‌فرمایند:

بی شک فاصله‌ای میان باید‌ها و واقعیت‌ها همواره وجدان آرمان‌خواهان را عذاب داده و می‌دهد اما این فاصله طی شدنی است.

این جمله برای حزب اللهی‌ها است. کسانی که دغدغه انقلاب را دارند، همیشه ما افق را می‌بینیم، در خیابان که می‌رویم یک خانم بدحجاب که می‌بینیم می‌گوییم ما 213 هزار شهید ندادیم که این وضع مان شود! ما اختلاس می‌بینیم زجر می‌کشیم! اینکه ما اینقدر 40 سال سختی کشیدیم که این پول‌ها را این‌ها بخورند؟ بله وجدان‌های آرمان‌خواه همیشه عذاب می‌کشند، چرا؟ چون بهتر از این می‌خواسته و می‌خواهند. یعنی کسانی که انقلاب کردند خیلی بهتر از این می‌خواستند. ولی حضرت آقا می‌فرمایند:

اما این فاصله طی شدنی است این درست می‌شود

و در 40 سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پر انگیزه با قدرت بیشتری طی خواهد شد.

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است.

جمهوری اسلامی قدرتمند است. همه دنیا هم می‌دانند.

یک پایگاهی است به نام آمریکن اینترنست که زیر نظر فرانسپس فوکایاما است. این‌ها می‌آیند رنکینگ‌های قدرت هر کشوری را سالانه مشخص می‌کنند، که قدرت فقط قدرت نظامی نیست، همه جانبه تحلیل می‌کنند و می‌گویند تأثیرگذاری بر تحولات بین الملل که می‌گویند پاور (Power) یا همان قدرت، ایران هفتمین قدرت بزرگ دنیا است که در کتاب صعود 40 ساله ما تصویرش را گذاشته ایم. بعد در گزارشش می‌نویسد: «ما امکانات سپاه را خبر نداریم، بدون امکانات سپاه ایران دارای این قدرت شده» اگر امکانات سپاه را هم اضافه کند دیگر چه می‌شود! ایران قدرتمند است، واقعاً قدرتمند است، تمام دشمنان هم به آن اعتراف دارند.

همین چند روز گذشته نفت کش انگلیسی را گرفته بودند، یعنی چه کسی فکر می کرد جمهوری اسلامی بیاد نفتکشی را بگیرد، بعدش بگوید بخاطر اینکه محیط زیست را آلوده کرده اید مثلاً، حالا معلوم نیست که ایران واقعا به خاطر همان جریان بوده، اما منبع دارد موثق است. ایران برای حفظ و گسترش ارزش ها با کسی تعارف ندارد، واقعا قدرتمند است.

من نمی دانم برخی از عوامل صدا و سیما آن دنیا چه جوابی می خواهند بدهند که اینقدر برای جمهوری اسلامی کم کاری می کنند، آرزوی ما این بود که یک بار تلویزیون را روشن کنیم ببینیم یک نفر درست از نظام دفاع کند، هرکسی هم که آمده، از 45 دقیقه صحبتش نیم ساعت ایراد گرفتند که مردم فحش ندهند. گفت بله ما افتضاح هستیم، درکارخانه ما افتضاح هستیم، در کشور هم افتضاح هستیم و چند تا تعریف هم کرد که مردم ناراحت نشوند...

این را من از خودم نمی گویم، رییس صدا و سیما به بنده گفت، موقعی که من در برنامه حالا خورشید صحبت کردم و آدمم پایین آقای عسگری به من زنگ زد و گفت: «حاج آقا گل کاشتی، گل! طلای نظام را زدی بالاخره؛ بعد از 40 سال توانستی از نظام دفاع کنی». یعنی چه؟ مگر ماها متهم نیستیم که این صدا و سیما زیر نظر رهبری و رسانه ملی است؟ چه طوری است پس؟ چرا پای بچه حزب الهی در صدا و سیما باز نشده؟ یک بار هم که یک فیلم روشن گرانه می سازند، بودجه را حذف می کنند!

جمهوری اسلامی قدرتمند است

در جریان سوریه یادتان است که؟ زمان خیلی نگذشته، اوپاما اعلام کرد ما تا عصر به سوریه حمله خواهیم کرد، مقام معظم رهبری چند ساعت بعد از آن صحبت، دستور دادند بعضی از فیلم های موشک های ما و جاهای امنیتی که تا حالا گفته نشده بود را مجری صدا و سیما یک گزارشی بگیرند و پخش کنند. چند ساعت بعد در تلویزیون پخش کردند و خود رهبری هم یک سخنرانی کرده و فرمودند: «اینجا گورستان شما خواهد شد، اینجا جای شما نیست...»، فردای آن روز اوپاما گفت: ما عجله ای برای حمله به سوریه نداریم.

یکی دیگر آن زمانی بود که داعش در محاصره قرار گرفت. درخواست دادند که شما اجازه بدهید محاصره شکسته شود ما صلاحمان را می گذاریم می رویم و کسانی که در این شهر در اسارت ما هستند را آزاد می کنیم. ایران گفت نه، جای مرز شیعیان در محاصره شما هستند، محاصره آنها هم باید شکسته شود. یک مذاکره محرمانه انجام شد، ایرانیان هم در آن نبودند. روسیه، سوریه و و داعشی ها بودند و به توافق رسیدند که همین جا محاصره را بشکنند و بروند این ها به محض اینکه می خواهند بروند ایران با خبر می شود. حاج قاسم سلیمانی به وزیر دفاع روسیه تلفنی پیام می دهد و می گوید شیعیان آنجا باید آزاد شوند وگرنه ما اجازه نمی دهیم، دستور می دهد به مدافعان حرم می گویند اگر داعش خواستند از شهر بیرون بروند بنیدشان، مذاکره با حضور ایران برگزار می شود، محاصره شیعیان آن طرف شکسته می شود، ایران اینطور قدرتمند است.

جریان فاجعه منا

این هم که زمانی نگذشته، ما خاطره 60 سال پیش یا 600 سال پیش را که تعریف نمی‌کنیم، خاطره‌ها بوی تازگی دارند، همه شما هم یادتان است، یادتان است که هفته اول مسئولین عربستان هیچ‌کدام از مسئولین ما را راه ندادند، وزیر بهداشت، وزیر امور خارجه، حتی حاضر نشدند جنازه‌ها را بدهند... این خاطره را آقای اوحدی تعریف می‌کند. ایشان می‌گوید: بعد از یک هفته قبول کردند یک جلسه‌ای با ما داشته باشند، ما رفتیم دیدیم به جای مسئولین عالی رتبه آنها، نمی‌دانم حاکم ریاض آمده و چند نفر عرب که معلوم نیست کی هستند که آمدند با ما مذاکره کنند، صحبت شروع شد، آنها همان اول به ما گفتند: ما یک تعداد زیادی قبر کنديم گودال‌های بزرگ همه مُرده‌ها را آنجا دفن می‌کنیم نه اجازه دی ان ای (DNA) و نه هیچی، اینهایی هم که آسیب دیدند همین جا مداوا می‌شوند و برمی‌گردند وزیر شما را هم راه نمی‌دهیم و تمام.

در همین هنگام من برگشتم بغل دستیم آقای قشقاوی نشسته بود، دیدم ایشان می‌خندند! در آن فضای سنگین، اشاره کردم چرا می‌خندید؟! گوشی تلفن همراهشان را دادند به من، پیامک از ایران آمده بود، مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دانشگاه افسری سخنرانی کرده و فرمودند: «ما احترام همسایه را رعایت می‌کنیم، ما احترام مسلمان‌ها را رعایت می‌کنیم، اما اگر عربستان بخواهد به همین وضع ادامه دهد برخورد ایران سخت و خشن خواهد بود»، تا این پیام آمد من هم لبخند زدم با خودم گفتم اگر تیم مذاکره کننده این جمله را بفهمند چه می‌کنند؟ در این هنگام یک برکه آمد جلوی تیم مذاکره کننده، آنها تا نگاه کردند چشمانشان درشت شد تعجب کردند، برکه را دست به دست کردند سپس همه رفتند بیرون، بعد از چند دقیقه برگشتند گفتند: ما با ولیعهد صحبت کردیم، گفتند همین الان هواپیمای اختصاصی برای شما می‌گیریم بروید جده، امشب مذاکره در عالی‌ترین مقامات برگزار خواهد شد. وزیر شما می‌آید. شب رفتیم برای مذاکره گفتند چه می‌خواهید؟ گفتیم جنازه‌ها را می‌خواهیم، اجازه DNA می‌خواهیم، مریض‌ها و... هرچه ما گفتیم گفتند اشکال ندارد، دو ساعت بعد به تلفن همراه وزیر بهداشت تماس گرفتند گفتند: ما هواپیمای اختصاصی گذاشتیم، تابوت هم هست، جنازه‌ها را هم داخلش گذاشتیم، آماده برگشتن به ایران است. گفتند: ما فقط این کار را برای شما انجام دادیم، برای هیچ کشور دیگری انجام نداده ایم، فردای آن روز هم ملک فیصل چه جمله‌ای گفت؟ برای اولین بار یک مسئول وهابی بیاد این جمله را بگوید، گفت: ما از ارشادات و سعه صدر امام آیت الله العظمی خامنه‌ای تشکر می‌کنیم. این قدرتمندی جمهوری اسلامی است، واقعا قدرتمند است.

مظلومیت در عین اقتدار

سخن از قدرت جمهوری اسلامی در این چند سطر نمی‌گنجد، هرچه بگوییم باز کامل نخواهد شد، اما از آن طرف هم انصافا جمهوری اسلامی مظلوم است و مظلوم‌تر از جمهوری اسلامی پیدا نمی‌کند.

هرکس چه در کشور خودمان چه هر جای دیگر می‌خواهد یک محبوبیتی پیدا کند یک پُستی بگیرد، ظاهرا باید یک لگدی به جمهوری اسلامی بزند! این قاعده است. در کشور خودمان نگاه کنید هرکس بخواهد پُستش بیشتر لایک بخورد (یعنی تایید شود) باید یک فحشی به جمهوری اسلامی بدهد! این مظلومیت جمهوری اسلامی است. حالا می‌-

خواهد از مسئول عالی رتبه باشد مثل رئیس جمهور، یا از یک زن و شوهری باشد که هر روز می‌روند چهار تا بافتنی می‌گذارند جلوی خود و یک فیلمی از خودشان می‌گیرند که ما دست فروشیم، بعد مارک لباسش، همه‌ی ما را با هم می‌خرد! فحش می‌دهند به رهبری، به نظام، به اطلاعات، چند ماه این‌ها هر روز در صفحه اینستاگرامشان چنین کردند! هیچ‌کس هم کارشان نداشت، هفته پیش هم پناهنده به کانادا شدند! حتما با پول دست فروشی رفتید کانادا؟! این مظلومیت جمهوری اسلامی است.

شما می‌بینید از رئیس جمهورش، از رئیس مجلسش، نماینده‌های مجلس، هرکس می‌خواهد یک چیزی بشود، ظاهراً باید یک لگدی به جمهوری اسلامی بزنند! در دانشگاه، اساتیدی که می‌خواهند محبوب شوند، مثلاً ریاضی درس می‌دهد، یک تیکه هم به جمهوری اسلامی می‌اندازد! خب بی دین، خودت که در جنگ بودی! شما که خودت خانواده شهیدی چرا؟ اگر از نظام دفاع کنم بد می‌شود. راحت‌ترین کار عالم، انتقاد به جمهوری اسلامی است، و سخت‌ترین کار عالم دفاع از جمهوری اسلامی است.

شما همین الان بنشینید همین جا در همین مرکز سپاه، برید دم در بایستید بگویید: «این چه کشوری است؟ نه یاد دارد ماشین تولید کند، سرطانش یک طور، خودکشی‌اش یک طور، آسفالتش، این پارکش، آن فسادش، بابا جمع کنید خودتان را» اگر یک نفر آمد به شما بگوید بالای چشتم ابروست؟! ولی شما بایستید بگویید انصافاً جمهوری اسلامی 40 سال کار کرده، می‌گویند جمع کنید خودتان را، این مظلومیت جمهوری اسلامی است که هرچه فحش به نظام دهید محبوب‌تر می‌شوید، همین طوری نیست؟

ببینید من نمونه عینی می‌گویم از خودم:

سال 88 در یکی از دانشگاه‌های کشور مناظره می‌کردم، مناظره داغ شد و آن موقع خیلی بهم چیزی پرت می‌کردند، مثل الان مناظره‌ها سوسولی نبود، اینکه تو به من فحش دادی و ... مثلاً دکتر اطاعت که داشت با من مناظره می‌کرد، میز را که هل داد! میز از این طرف افتاد، بعد یک شخصی وسط مناظره از فاصله سه متری من، ظاهراً مسئول یکی از انجمن اسلامی‌های یکی از استان‌ها بود، ایشان جلوی ردیف اول یا دوم نشسته بود، بلند شد یک تیکه آجر پرت کرد سمت بنده، آجر خورد یک تیکش به عمامه بقیش خورد به پیشانی‌ام! هنوز یادگارش روی پیشانی‌ام است، خون فواره می‌زد روی لباسهای من! یاد بگیرید مناظره را ...! آدم از اینجا ناراحت می‌شود که وقتی به این‌طرفی‌ها می‌گوید بیا مناظره کنیم می‌گوید می‌خواهید من را ببرند اِوین؟ اما می‌بینید که با فردی که پاره آجر زد چه کردند؟ الان ایشان مشاور رئیس جمهور است ☺ البته ذهن تان به سمت مشاوران درجه‌ی یک نرود.

از ابتدای برنامه‌ی "حالا خورشید" تا آخری که این برنامه بوده، نمی‌دانم 100 برنامه بوده! شما تمام نظراتی که داده شده را ببینید، برای هرکسی از مهمانان برنامه، چند نظر داده شده؟ بنده در این برنامه در 5 دقیقه 4000 تا فحش خوردم، رکورد فحش برای نظام را یک نفره ارتقاء دادم، ببینید حالا اگر من می‌گفتم قرار نبود در کشورمان اختلاس شود، قرار نبود حقوق‌ها نجومی شود، قرار نبود مسئول‌مان در کانادا باشد، قرار نبود دختر وزیرمان در لواسان کاخ

داشته باشد، همه می‌گفتند آفرین حرف مردم را می‌زنید. بله؛ آنها جای خودش، اتفاقا ما برای آنها طلبکاریم، اما آنها را که بگوییم پس کی قرار است از نظام دفاع کنیم؟ کی قرار است بگوییم این نظام هم کار کرده است؟!

انقلاب اسلامی، مهربان و با گذشت است

مقام معظم رهبری (مدّ ظله العالی) می‌فرمایند:

انقلاب اسلامی ملت ایران قدرتمند اما مهربان و باگذشت است و حتی مظلوم است.

مهربانی انقلاب کجاست؟ انقلاب اسلامی واقعا مهربان است، خیلی از جاها مهربانی اش را نشان داده است.

ابتدای انقلاب مهربانی جمهوری اسلامی را نگاه بیندازید. همان ابتدا یک مرجع تقلید داشتیم، ایشان به قطب زاده دستور داد ماشینش را پُر از TNT کند و برود جماران را با خاک یکسان کند، دم درب، گیت به امداد غیبی الهی، آن قطب زاده‌ای که همیشه بدون بازرسی داخل می‌رفت، یکدفعه آن‌روز یک سرباز روستایی که روز اول خدمتش بود و او را به چهره نمی‌شناخته، جلوی قطب زاده را می‌گیرد، او می‌گوید برو کنار، سرباز می‌گوید به من گفته اند بازرسی کنم، گفت من را نمی‌شناسی؟ من رئیس صدا و سیما هستم - آن‌وقت در خیلی از منازل تلویزیون نبود - می‌گوید هر کس می‌خواهی باش، من باید بگردم، قطب زاده هم می‌گوید: نمی‌گذارم بگردی، برمی‌گردم. سرباز هم اسلحه را به سمتش می‌گیرد و می‌گوید کجا برمی‌گردی؟ وارد شدی باید بگردم، این بنده خدا را می‌گذارند کنار می‌گویند درب ماشین را باز کنید، باز می‌کنند می‌بینند تمام صندوق عقب پراز TNT است! خب قطب زاده که اعدام شد اما مرجع تقلیدی که دستور داده بود این اتفاق بیفتد چه؟ آیت الله شریعتمداری چه شد؟ هیچی؛ امام عفوش کردند، این مهربانی جمهوری اسلامی است.

جلوتر بیایم ببینیم جمهوری اسلامی دیگر چه مهربانی هایی داشته است؟
اسیران حزب بعث، هر کدام که می‌گفتند «ما اشتباه کردیم» جمهوری اسلامی همان‌جا دستور می‌داد آزادشان کنند.
یا مثلا مجاهدین خلق که سال 67 در زندان بودند، امام فرمودند: حتی اگر زبانی توبه کردند آزادشان کنید، مظلومیت جمهوری اسلامی که مهمترین افتخارش را به چه تبدیل می‌کنند؟!

اعدام‌های 67 یکی از مهمترین افتخارات جمهوری اسلامی است، جریان اعدام‌های 67 را می‌دانید؟ خلاصه اش این است که موقعی که عملیات مرصاد، عملیات فروغ جاویدان اتفاق افتاد، مسعود رجوی اعلام می‌کند: «امید ما به زندانیان است، زندانیان خودشان را از زندان آزاد کنند»، شورش در زندان های مشهد و تهران و جاهای دیگر اتفاق می‌افتد! حتی با وسایل مختلف تعدادی زندان بان کشته می شوند! جمهوری اسلامی همه را آرام می‌کند و اجازه نمی‌دهد از زندان آزاد شوند، وزیر اطلاعات به امام (ره) نامه می‌نویسد که این وضعیت است؟! بعضی ها از این‌ها در زندان به ما گفته اند: «اگر آزاد شویم اولین کاری که انجام می‌دهیم جنگ مسلحانه با ایران است؛ در ایران همه را می‌کشیم!» ما چکارشان کنیم؟ آزادشان کنیم یا نه؟ امام می‌فرمایند: ببینید هرکدامشان حتی اگر زبانی توبه کردند آزادشان کنید، آن‌هایی که زبانی توبه می‌کنند آزاد می‌شوند. امام (ره) به احتیاط عمل می‌کنند؛ ایشان سه قاضی مشخص کردند (چون می‌دانید حکم همه آنها اعدام است، چون اعلام کردند جنگ مسلحانه راه می‌اندازیم) یک

قاضی باید حکم دهد که اعدام شوند، اما امام احتیاط می‌کنند و سه قاضی می‌گذارند و می‌فرمایند: اگر هر سه قاضی با هم حکم اعدام دادند اعدامشان کنید. خب تعدادی اعدام شدند.

حالا اگر اعدام نمی‌شدند چه می‌شد؟

نگاه کنید موقعی که صدام اعدام شد در عراق دو گونه نظر بود: یکی می‌گفت: «اینهایی که حزب بعث هستند، پای صدام هستند و باید اعدام شوند»، یک گروه دیگر اسلام رحمانی‌ها می‌گفتند: «اینقدر سخت نگیرید، صدام مُرد، این‌ها را آزاد کنید، زن و بچه دارند»، همان موقع آنها می‌گفتند آزاد شویم جنگ مسلحانه شروع می‌کنیم! گفتند نه، داعش از کجا شکل گرفت؟ حالا اگر جمهوری اسلامی آنها را اعدام نمی‌کرد ما هم داعش می‌داشتیم! آن موقع که داعش هنوز مُد نبود ما داعش داشتیم، سال 60 و 61 داشتیم مجاهدین خلق خودشان داعش شدند.

جمهوری اسلامی تا حالا چقدر عفو کرده است.

همین سال‌های اخیر در اهواز در این رژه نیروهای مسلح حمله تروریستی انجام شد، گروه الاحوازیه مسئولیت را به عهده گرفت! الاحوازیه کجا بودند؟ در امارات. حضرت آقا (حفظه الله) چند روز بعد، در سخنرانی فرمودند: برای ما کاری ندارد این کشور کوچک را ادب کنیم اما ما احترام همسایگی را رعایت می‌کنیم، همه می‌دانستند که ایران می‌تواند بزند اما ما احترام همسایگی را رعایت می‌کنیم، این مهربانی جمهوری اسلامی است.

همین اتوبوسی که چند سال پیش، سمت سیستان و بلوچستان بیست و چند نفر از سپاهیان عزیز را به شهادت رساندند، گروه تروریستی را گرفتند مسئول گروه یک خانم بود، حکم اعدامش آمد. چند نفر از علماء اهل سنت سیستان و بلوچستان به آقا نامه نوشتند که ایشان مادر است، بچه دارد، اگر صلاح می‌دانید عفو کنید. مقام معظم رهبری نوشتند که اگر او توبه می‌کند و دیگر جنگ مسلحانه با ما نمی‌کند، عفو می‌کنیم. اینها مهربانی جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی واقعا باگذشت و مظلوم است. مقتدر مظلوم است. همانطور که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مقتدر و مظلوم بودند، چه کسی از امام علی (علیه السلام) قدرتمندتر؟ و چه کسی مظلوم‌تر از ایشان؟ الان هم جمهوری اسلامی مقتدر اما مظلوم است واقعا مظلوم.

آقای تهرانی، وسط جنگ پناهنده‌ی عراق شد. هر شب در رادیوی عراق و BBC فحش امام (ره) را می‌داد! به ایشان گفتند آقای تهرانی خیلی فحش می‌دهد، امام فرمودند: اتفاقا دیشب در نماز شب، خیلی برایش دعا کردم، ان شاءالله توبه می‌کند، امام از دنیا رفتند ولی فحشش ادامه داشت، چند سال بعد توبه کرد. به آقا نامه نوشت که آقا من توبه می‌کنم اجازه می‌دهید به ایران بیایم؟ اجازه دادند. هیچ‌کس هم کاری به او نداشت.

همین جریان هفت تپه، آن مسئول کارگری‌شان، گفت: سپاه، اطلاعات ما را گرفته و ما را شکنجه داده است، رَدّ شکنجه هم روی بدنمان است. جمهوری اسلامی اعلام کرد، اصلاً ما او را دستگیر نکرده ایم! بعد هم او گفت: دروغ گفتم، هیچ‌کسی هم کاری به او ندارد. آبروی نظام را می‌برد و همه کار می‌کند.

در همین جریات مجاهدین خلق، یک نفر - اسمش را نمی‌گویم چون یک مقدار محرمانه است - موقعی که به پادگان اَشرف در نجف حمله شد، خیلی از این مجاهدین خلق رفتند فرانسه و بعضی هم فرار کردند، این‌ها خواستند بیایند ایران، جمهوری اسلامی اعلام کرد: اگر شماها در عملیات مرصاد نبودید و سال 60 هم مردم را در کوچه بازار نکشتید توبه کنید بیاید ایران و عمومشان آمدند. یک خانمی بود جزء تیم فرماندهی مجاهدین خلق بود. او رفت ترکیه از ترکیه به مقامات ایران پیام می‌داد و می‌گفت: من 30 سال خانواده ام را ندیدم، شما اجازه بدهید من خانواده ام را ببینم، ببینید مهربانی جمهوری اسلامی را، با پول خود جمهوری اسلامی مخفیانه این خانم را از مرز رد می‌کنند و یک ماه یا بیشتر در ایران با خانواده اش هست و دوباره خود ایران او را به ترکیه برمی‌گرداند. این را هیچ‌کس را نمی‌دانست این خانم در خاطراتش به این جمله یک اشاره‌ی ریزی می‌کند، بنده خودم با این خانم صحبت کردم، از فرماندهان شورای فرماندهی بوده است.

هدف گام دوم

بعد از آن حضرت آقا (حفظه الله) می‌فرمایند: شما هستید که باید کارآزموده، پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان‌های بزرگ که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید.

هدف: تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی.

تمام هدف جمهوری اسلامی همین است که بتواند این جریان را به ظهور حجه ابن الحسن علیه السلام برساند.

دو مدل انتظار وجود دارد، تفاوت این دو را خود قضاوت کنید:

- یک تفکر آن تفکری است که می‌گوید بالاخره در جامعه گناه می‌شود و بشود، همین گناهان باعث می‌شود امام زمان عج الله ظهور کنند... این یک تفکری است یا اینکه بگویند ان شاءالله امام زمان ظهور می‌کنند و همه چیز را درست می‌کنند.
- تفکر دیگر تفکر امام (ره) است، سال 1342 آقای عسگر اولادی می‌گوید رفتم پیش امام (ره)، ایشان فرمودند: آقای عسگر اولادی! کمر بندهایتان را محکم کنید، انقلاب ما برای عوض کردن یک وزیر وکیل نیست، حتی برای عوض کردن شاه نیست، باید ایران را اسلامی شود، منطقه را اسلامی شود، دنیا را اسلامی شود، آن موقع به حضرت حجه ابن الحسن علیه السلام می‌گوییم آقا دنیا برای تشریف فرمایی شما آماده شده است.

دوتا تفکر را ببینید: یکی می‌گوید «همه هزینه‌ها را امام زمان علیه السلام بدهد»، یکی می‌گوید «باید خودمان هزینه کنیم تا آقا تشریف بیاورند»، کدام تفکر و عمل در مورد تایید قرآن است؟ کدام رفتار با سیره‌ی اهل بیت عصمت و طهارت [موافقت دارد؟ کجای قرآن و سیره‌ی اهل بیت] دستور به عقب نشینی یا انفعال در برابر ظلم و ظالمین داده است؟!

امام می‌فرمایند:

دشمنان انقلاب با انگیزه‌ی قوی تحریف و دروغ پردازی در مورد گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره می‌گیرند، رهنمای فکر و عقیده و آگاهی بسیاریند، حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی‌توان شنید!

آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه‌ی صفر

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ اینکه از نقطه صفر چی بود در بحث علمی خدمتتان بیشتر عرض خواهم کرد. آقا دو بحث می‌فرمایند: چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود - بر سر کارآمده بود.

ما هیچ حکومتی نداشتیم که دشمن بگذارد، فقط پهلوی بود و جالب بود که زیبا کلام کتابی نوشته به نام "رضا شاه" بعد ثابت کرده که رضا شاه انگلیسی نبوده. بنده خواندمش، منابعی که داده از منابع کتاب دیگری بود که در آن کتاب ادعا کرده کتاب من متن مذاکرات انگلیس است. آیا این شد سند؟! این آقای نظریه پرداز. فقط ما یک سؤال از ایشان داریم: چه کسی به رضا شاه گفت برو؟ چون که می‌گویید دشمن انگلیس بود! چه کسی به رضا شاه گفت برو؟ آقا همین را می‌فرمایند: حالا تو انگلیسی بودی، ولی وقتی انگلیس گفت برو، می‌گفتی نمی‌روم. مردم هم که در مقابله با انگلیس پشت بودند، لاقط میگفتی نمی‌روم! انگلیس گفت برو، او هم گفت چشم! به همین راحتی.

آقا می‌فرمایند: هیچ تجربه پیشینی و راه طی شده در برابر ما نبود.

ما هیچ الگویی نداشتیم. مثلاً برای الگوی نظامی، در دنیا تسلط روی نیروی هوایی است، آیا ما همین الگو را می‌خواستیم؟ دیدید که ما چنین الگویی را انجام ندادیم، تمرکز بیشتر ما بر روی نیروی زمینی بود، حالا این یک مصداقش بود. الگوی بسیج مال کجای دنیا بود؟ الگوی کمیته امداد را کجا داشت؟ این الگوها را کجا داشتند که ما بخواهیم از آنها نمونه برداری کنیم! الگوی امنیتی مردمی را کجا داشت؟ الگوی فرمانده‌های بیست و چند ساله را کجای دنیا داشت؟ ما به لطف خدا خود ساختیم و بهترین الگوها را به دنیا عرضه کردیم.

شورای نگهبان در تمام دنیا بود اما آیا ما همان را می‌خواستیم؟ مجلس خبرگان کجای دنیا بود؟ این قانون اساسی که قرار بود مبنی بر اسلام باشد کجای دنیا بود؟ ولایت فقیه کجای دنیا بود؟ ما از صفر شروع کردیم. بعد می‌آیند ما را با کشورهای مثلاً 200 سال صنعتی مقایسه می‌کنند! ما را کنار ژاپن می‌گذارند، کنار ... حالا به گفتگو در این باره می‌رسیم ان شاء الله.

ابر قدرت

پس آنگاه انقلاب، ملت ایران، جهان دو قطبیِ آنروز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد.

خادم امام می‌گوید: یک بار برای امام چای می‌بردم، حاج احمدآقا داشتند با امام صحبت می‌کردند. گفتند: این دو ابرقدرتی که هستند ... - من همانجا رسیدم که - امام فرمودند: سه ابرقدرت، یعنی ما هم ابرقدرت هستیم. تفاوت امام با این‌ها را ببینید، می‌گویند ما هیچی نیستیم! یعنی غرب گراها ایران را اینطوری تصور می‌کنند!

شما ببینید! ترامپ دو هفته پیش از ایران تشکر می‌کند که پهبادش را زد، نه آن هواپیمایی که در آن سرباز آمریکایی بودند. غرب گراها در روزنامه خود گفتند: «ما باید معذرت خواهی می‌کردیم» کاش لااقل از ترامپ کمی یاد می‌گرفتید! و هم به اندازه‌ی ترامپ شعور داشتید.

امیدواری مظلومان

از سویی نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال،

ببینید بزرگواران! وقتی انقلاب اسلامی اتفاق افتاد مظلومان دنیا امیدوار شدند. شیخ عبدالعزیز عوده رهبر جهاد اسلامی فلسطین می‌گوید: انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام راحل و حضرت آیت الله خامنه‌ای امید از بین رفته را در دل مسلمانان احیاء کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دیگر مسلمانان جهان یتیم نیستند و نیروی عظیمی پدیدار شد که از آنها حمایت کرده و پیوسته پشتیبان و حامی حقیقی آنان بوده، انقلاب اسلامی ایران این امید را در دل‌ها زنده ساخت که مسلمین می‌توانند بار دیگر پیروز شوند و عظمت و مجد دیرینه‌ی خود را باز یابند و دشمنانشان را شکست دهند. دکتر فتحی شقاقی می‌گوید: انتفاضه، یکی از ثمرات بیداری اسلامی است که امام خمینی در منطقه و به ویژه در فلسطین به وجود آورد.

یکی از علماء افغانستان آقای صمدی یک جمله خیلی قشنگی را بیان می‌کند: می‌گویند وقتی در شب 22 بهمن رادیوی اسرائیل گفت: «زلزله‌ای در ایران ایجاد شد که اسرائیل را به خطر انداخت» ما را بسیار شاد کرد، هنوز بامداد 22 بهمن نشده بود که مردم افغانستان قیام مسلحانه کردند و از آن روز تا سه ماه بعد قدرت کومونیست را در قسمتهایی از افغانستان درهم شکستند، وقتی شهید حاجی محمد عُمَر با شمشیر به کومونیست‌ها حمله می‌کرد با زبان پُشتو گفته بود شما فکر کردید که خمینی کس و کار ندارد؟ ملت‌های زیر ستم امیدوار شدند و از سویی نگاه کینه ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج طلب عالم بدان دوخته شد.

انقلاب ها را مقایسه کنید

حضرت آقا (حفظه الله) می فرمایند:

عظمت پیشرفتهای چهل ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده می‌شود که این مدّت، با مدّتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود.

اصلاً انقلاب فرانسه و شوروی به 40 سال نرسید! آقا می‌فرمایند مقایسه کنید ببینید آنها چه شدند ما چه شدیم؟ انقلاب هند به 40 سالگی رسید. شاید تنها انقلابی که توانست روی آرمان‌هایش کمی حرکت کند و جلو بیاید انقلاب هند بود. آقا در کل صحبت‌هایشان تا حالا اسم انقلاب هند را نیاورده بودند، اما اینجا می‌آورند. نه در ابتدا که بحث عظیم بودن انقلاب هاست، بلکه در 40 سالگی کنار انقلاب نام بردند. انقلاب هند در 40 سال اول هیچ پیشرفتی نکرد 46 سال بعد اولین کارخانه اش را زد، ببینید ما در این 40 سال چه کرده ایم آن‌هم با وجود جنگ و تحریم‌ها...!

مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.

این مقدمه‌ای بود که حضرت آقا مطرح می‌فرمایند.

بعد می‌رسیم برکات انقلاب بزرگ اسلامی.

و السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته
تابستان 1398 ه.ش